

روایت خبرنگار «فرهیختگان» پس از یک ماه از حادثه میدان قدس تجریش

وقتی زندگی پشت چراغ قرمز به خون نشست

احمد سهپوند
خبرنگار

حوالی ساعت ۱۵:۲۰ روز ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ بود. مردم با وجود تمام فشار زندگی در شرایط جنگی، در خیابان‌های اطراف متروی تجریش در حال زندگی بودند. علی‌رغم تمام شعارهای عدم حمله به مراکز غیرنظامی توسط رژیم صهیونیستی در روزهای ابتدایی جنگ، یک بار دیگر هم دروغ‌گویی و پوچی شعارهای این رژیم آشکار شد. هدف این بار دقیقاً خانواده حاضر در ماشین و پیک موتوری‌های بی‌گناه پشت چراغ قرمز بودند. موشک رژیم صهیونیستی به یک ساختمان شش طبقه برخورد می‌کند و در کمتر از چند ثانیه موشک دوم در میدان قدس و میان انبوه ماشین‌های پشت چراغ قرمز فرود می‌آید و پیک موتوری بی‌گناه بر اثر انفجار چندین متر به بالا پرتاب می‌شود.

حالا بعد از گذشت حدود یک ماه، بین ترافیک ماشین‌های پشت چراغ قرمز قدم می‌زنم و آن لحظه را تصور می‌کنم. حتی دور از تصور است که در حال زندگی عادی خود باشی و به یکباره مورد هدف موشک‌های رژیم صهیونیستی قرارگیری، آن هم در موقعیتی که اطرافت هیچ مکان نظامی‌ای وجود ندارد و همه مردم در حال زندگی عادی خود هستند. بسا مردم قصابی که در چند متری محل اصابت بود به خیابان زل می‌زنیم و او از اتفاق بد آن لحظه برایم روایت می‌کند. خبری از خرابی‌های روی زمین نیست و به خوبی همه‌جا بازسازی شده است. اما دیوارها، شیشه‌ها و تابلوهای مغازه‌ها هنوز هم بعد از گذشت یک ماه از حادثه، تا حدودی نشان می‌دهد که در این محدوده چه اتفاقی افتاده و بر مردم این منطقه چه گذشته است. در این گزارش به سراغ شاهدان و اهالی منطقه رفته‌ام تا شرح اتفاق آن روز را از زبان آن‌ها بشنوم.

■ ■ ■

وضعیت میدان قدس شبیه به فیلم‌های جنگی بود

شاگرد صاحب عطاری که روبه‌روی محل انفجار اول قرار دارند، می‌گفتند: «حوالی ساعت سه‌ونیم بود که آن اتفاق افتاد. ما در انبار پشت عطاری بودیم مشغول آسیاب کردن. صدای آسیاب خیلی زیاد بود، اما موج و صدای انفجار هم بسیار زیاد و سنگین بود و ساختمان به شدت لرزید. از انبار بیرون آمدم و بلافاصله انفجار دوم اتفاق افتاد. چند ثانیه‌ای صبر کردم و بعدش به داخل خیابان رفتم. صحنه عجیبی بود. ترکش‌ها و تکه‌های ساختمان محل اصابت خیابان را پر کرده بود. مثل فیلم‌های جنگی چندین نفر روی زمین افتاده بودند. خیلی‌ها آسیب دیده بودند اما زنده بودند. چند نفری هم بلافاصله از دنیا رفته بودند. ما سریع به داخل مغازه برگشتیم و جعبه کمک‌های اولیه که چند باند و گاز استریل و بتادین داشت را برداشتم و دوباره برای کمک کردن به مردم به داخل خیابان برگشتیم. برای من و شاگردم که سن کمی دارد خیلی صحنه تلخ و سختی بود.»

یکی از همسایه‌ها می‌گفت: «دو نفر را دیدم که در ایستگاه اتوبوس آن حوالی، همان‌جا بر اثر موج و ترکش‌های انفجار شهید شده بودند.» آقای آمیوه‌فروش می‌گفت: «مغازه ما در حد فاصل انفجار اول و دوم بود. با یکی از دوستانمان در بیرون مغازه نشسته بودیم که یکباره انفجار اتفاق افتاد. دقیق در تصور هست که موج انفجار یک پیر مرد را به دیوار کوبید و پیر مرد خدا را شکر از دنیا رفت، اما به شدت مجروح شده بود. یک خانم دستفروش یک مقدار بالاتر از مغازه ما دستفروشی می‌کرد و گردو می‌فروخت؛ تکه‌های پرتاب شده انفجار به سر این خانم برخورد کرده بود و همان‌جا از دنیا رفته بود. خیلی فضای بدی بود. هر گوشه یک نفر روی زمین افتاده بود.» اما تلخ‌ترین روایت‌ها برای پوشاک‌فروش میدان قدس بود که شاهد محل اصابت موشک دوم بود: «لحظه انفجار خیلی لحظه بدی بود. مردم خیلی معمولی پشت چراغ قرمز منتظر سبز شدن چراغ بودند. چون که محل نشستن من در مغازه دقیقاً با اشراف کامل به محل حادثه است، با چشم خودم دیدم که انفجار، یک پیک موتوری پشت چراغ قرمز را حدود ۱۰ متر به سمت هوا پرتاب کرد و بعدش خیلی محکم به زمین کوبیده شد. خیلی صحنه تلخ و وحشتناکی بود. سیلاب به سرعت راه افتاد و سرعت گرفت. یکی از پیکرها را سیلاب با خودش می‌برد. دور میدان یک جوان نشسته بود یک گوشه و زار زار گریه می‌کرد. جویا شدم که چه اتفاقی افتاده و چرا تا این حد ناراحت است؟ به چند متر آن طرف‌تر اشاره کرد و گفت یک دختر جوان آنجا افتاده و مغزش متلاشی شده است. خیلی اوضاع عجیبی بود. بعضی ماشین‌ها چپ شده بودند و بعضی‌ها روی‌شان را آوار گرفته بود و آدم‌های

زیادی در آن‌ها محبوس شده بودند.»

قصاب کنار نقطه اصابت می‌گفت: «لحظه انفجار کودک دوساله یکی از خانم‌های محل انفجار پرتاب می‌شود و گم می‌شود. بعد از گذشتن چندین روز از انفجار، خبری از پیدا شدنن بچه نشیده‌ایم. برای ما که سال‌هاست با خون و گوشت و قصابی و سلاخی روزگارمان را سر می‌کنیم هم دیدن آن صحنه‌ها خیلی ناراحت‌کننده بود.»

هیچ خبری از مکان نظامی درآن حوالی نبود

خانم ساکن در یکی از ساختمان‌های اطراف محل اصابت موشک می‌گفت: «ما سال‌ها در این منطقه زندگی می‌کنیم. تا جایی که به خاطر می‌آورم و به یاد دارم، این ساختمان نه مرکز نظامی بود و نه افراد نظامی به آن رفت و آمد داشتند.» یکی از مغازه‌دارهای روبه‌روی محل اصابت اول گفت: «این ساختمان نه محلی نظامی بود و نه ساختمان کنارش. تنها روی یکی از تابلوهایی ساختمان نوشته امور مساجد.»

اگر شبیه راجع به ساختمان اول را کنار بگذاریم و حتی بخواهیم باور کنیم که رژیم صهیونیستی به مراکز غیرنظامی حمله نمی‌کند و بگویم که ساختمان نظامی بوده است، یقیناً انفجار و اصابت دوم میدان قدس را به هیچ شکلی نمی‌توان شلیکی به یک مرکز نظامی در نظر گرفت. مردم پشت چراغ قرمز مردمی بی‌گناه و انسان‌هایی معمولی بودند که زندگی روزمره خودشان را انجام می‌دادند.

شاید محل آسیب به سرعت ترمیم شود اما ذهن حاضران محل حادثه نه

صاحب آمیوه‌فروشی می‌گفت: «خیلی ترسیده بودیم. شبیه آخرالزمان بود. فکر کن یک‌بار یک انفجار تمام زندگی‌ات را از بین ببرد. بعد از تمام شدن آن روز دیگر نیازی به حضور و کمک ما نبود. مغازه را بستیم و به خانه برگشتیم. خانه من در همین حوالی مغازه است و نه فامیلی‌ام دارم در شهرستان و نه جایی برای فرار کردن و دور بودن از تهران. شب‌های اول نمی‌توانستم از تصور حمله مجدد بخواهیم و هرروز چند ساعت فقط به آن روز تلخ فکر

می‌کردم. هنوز هم بعضی شب‌ها خواب‌های وحشتناکی از آن روز می‌بینم و با وحشت از خواب می‌پرم. نمی‌دانم این وضعیت تا کی ادامه دارد.»

بازسازی سریع میدان قدس

بعد از گذشت چند وقت که برای تهیه گزارش به محل اصابت موشک‌ها رفته بودم، محل اصابت و اطراف آن در میدان قدس کاملاً ترمیم و بازسازی شده بود و یک چاله کوچک کم نبود. به گونه‌ای محل اصابت را دوباره ترمیم کرده بودند که اصلاً خبری از انفجار و خرابی روی زمین نبود و فقط ردی از ترکش‌ها روی برخی ساختمان‌ها باقی مانده بود. پوشاک‌فروش میدان قدس می‌گفت: «چند دقیقه بعد از انفجار، بلافاصله نیروهای امدادی وارد منطقه شدند و دور تا دور میدان را بستند. تا چند روز مغازه‌های منطقه بسته بود. هر ساعتی از شبانه‌روز خودمان یا همکاران به مغازه‌هایمان که سر می‌زدیم، نیروهای امدادی و خدماتی در حال تلاش برای پاکسازی و ترمیم منطقه بودند. آن‌ها در کمترین زمان ممکن، تقریباً در چهار روز منطقه محل اصابت و اطراف آن را به حالت اول برگرداندند و مجدداً در این منطقه بعد از چند روز زندگی از سر گرفته شد و مردم و همکاران به محل‌های کارشان بازگشتند و زندگی از سر گرفته شد.»

مغازه‌های آسیب دیده فعلاً با هزینه شخصی مغازه‌داران سرو سامان گرفته‌اند

فیلم‌هایی که از دوربین‌های مداربسته برخی مغازه‌ها منتشر شده بود، نشان می‌دهد که هرکدام از مغازه‌ها به نوعی دچار آسیب‌دیدگی شده‌اند. برخی وسایلشان به‌هم ریخته و شکسته شده است و برخی مغازه‌ها هم شیشه‌هایشان کامل خرد شده و شکسته است. آمیوه‌فروش بین محل اصابت موشک اول و دوم می‌گفت: «حدود ۶۰ میلیون تومان فقط هزینه دستگانه نسکافه ما بود که بر اثر تکه‌های پرتاب شده از انفجار کاملاً از بین رفت. ما خودمان هزینه‌های بازسازی را انجام داده‌ایم و نمی‌خواهیم بابتش هزینه‌ای از دولت دریافت کنیم.» بسیاری از مغازه‌ها و ساختمان‌های اداری هنوز بازسازی نشده و از بازسازی آن‌ها خبری نیست. صاحب عطاری معروفی که این روزها فیلم دوربین‌های



مدار بسته مغازه‌اش بسیار پریازدید بود، گفت: «همان‌طور که در فیلم دوربین‌های مدار بسته منتشر شده از مغازه ما مشخص است، تا حدود نصف مغازه بر اثر موج انفجار و و ترکش‌های انفجار به‌هم ریخته بود و بسیاری از وسایل مغازه عملاً غیر قابل استفاده شده بود. کرکره برقی مغازه بر اثر موج انفجار از همان لحظه انفجار خراب شد و از کار افتاد. بعد از چند روز که به مغازه برگشتیم، خودمان مشغول تمیزکاری مجدد مغازه شدیم و وسایل را مرتب کردیم و به مغازه سر و سامان دادیم. تمام هزینه‌های اجناس ازبین‌رفته و هزینه‌های تعمیر مغازه را خودمان پرداخت کرده‌ایم و شهرداری فعلاً قول مساعدت داده و تا الان خبری از پرداخت نبوده است.» لوازم‌التحریر فروشی کنار مغازه عطاری هم همین را می‌گفت: «بر اثر موج انفجار تمام شیشه‌های جلوی مغازه ما ریخت. موج انفجار به حدی زیاد بود که خودم هم نیم متری پرتاب شدم. خیلی شوکه‌کننده بود. همه وسایل توی قفسه‌ها ریخته شده بود روی زمین و مغازه کاملاً به هم ریخته بود. دستگاه لمینت ما که جلوی مغازه بود بر اثر انفجار از کار افتاده و سوخته است. روزهای اول بنیاد مسکن به سراغ مغازه‌هایمان آمد و چند فرم پر کردیم از میزان خسارات. چند روز بعد این مسئولیت به شهرداری واگذار شد و مسئولان شهرداری به مغازه‌هایمان آمدند و مجدداً کاغذ بازی و گزارش‌نویسی را انجام دادیم و قرار شد فعلاً خودمان هزینه بازسازی را پرداخت کنیم تا بعداً فاکتور هزینه‌ها را تحویل بدهیم و آن‌ها پرداخت کنند.»

نیروهای امدادی پرسرعت‌تر از قبل بودند

آقای آمیوه‌فروش در مورد رسیدن سریع نیروهای امدادی می‌گفت: «چند دقیقه اول مردم در حال کمک کردن بودند. اما تقریباً ۱۰ دقیقه نگذشته بود که نیروهای امدادی آتش‌نشانی، هلال احمر، اورژانس و پلیس خودشان را به محل حادثه رساندند و منطقه را پوشش دادند و شروع کردند به کمک کردن و کنترل اوضاع. نیروهای امدادی مجروحان را به بیمارستان‌ها شهدا انتقال می‌دادند و نیروهای پلیس و هلال احمر و آتش‌نشانی به بیرون کشیدن مصدومان و آسیب‌دیدگان کمک می‌کردند.»

مردم ایران هیچ وقت یکدیگر را تنها نمی‌گذارند

آقای لوازم‌التحریر فروشی می‌گفت: «من تقریباً انتهای مغازه نشسته بودم. موج انفجار به حدی زیاد و سنگین بود که نیم متر پرت شدم و تا چند لحظه کاملاً گیج بود و نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده است. بعد از انفجار اول به سمت بیرون مغازه رفتم تا ببینم چه اتفاقی افتاده است که انفجار دوم هم اتفاق افتاد و یک موج جدید و ترکش‌های جدید دوباره خیابان را گرفت. مثل فیلم‌های جنگی شده بود و چندین نفر جلوی محل اصابت اول روی زمین افتاده بودند. چند لحظه اول همه گیج بودند، اما بعد از چند لحظه بلافاصله مردم به کمک آمدند و هر چند نفر به سراغ یک مجروح می‌رفتند و کمک می‌کردند و به وضعیت مجروح‌ها رسیدگی می‌کردند تا نیروهای امدادی خودشان را برسانند.»

صاحب پوشاک‌فروشی محل اصابت دوم در محل میدان قدس که یکی از شاهدان عینی انفجار بود، می‌گفت: «صدای انفجار و موج انفجار به حدی زیاد بود که چند لحظه اول همه شوکه شده بودند و هرکسی به سمتی می‌رفت. اما چند لحظه بیشتر نگذشت که گروه مردم رفته‌رفته بیشتر می‌شدند و همه مردم به سمت محل حادثه می‌آمدند و کمک می‌کردند.» صاحب آمیوه‌فروشی می‌گفت: «لحظه انفجار بیرون مغازه بودم. بعد از انفجار که بسیاری از مردم روی زمین بودند و خیلی از مردم در حال کمک کردن، من هم به داخل مغازه برگشتم و چند بسته آب معدنی برداشتم و برای مردم بردم. من خودم خیلی ترسیده بودم و این تنها کاری بود که از دست بنده برمی‌آمد.»

برخی شرکت‌های خصوصی بعد از یک ماه هنوز وظایف خدمت‌رسانی خود را انجام نداده‌اند

برخی مغازه‌ها با اشاره به اینکه امدادرسانی‌ها و ترمیم منطقه با سرعت زیادی انجام شد، اما همچنان از خدمت‌رسانی‌های برخی ارائه‌دهندگان خدمات گلایه داشتند و می‌گفتند: «با اینکه نیروهای امدادی به سرعت وارد منطقه شدند و درنگی در بهبود اوضاع نداشتند و سریعاً کار را به اتمام رساندند، اما همچنان یکی از اپراتورهای ارائه‌دهنده اینترنت پرسرعت علی‌رغم همه تماس‌ها و پیگیری‌های روزانه‌ای که داریم، اقدام به ترمیم فیبر نوری نکرده و هر روز ما را به واحدی دیگر از مجموعه خودشان پاس می‌دهد و هر دفعه پیگیری‌های ما بدون نتیجه باقی می‌ماند.»

دوره

رویکردهای حکمرانی فضای مجازی در ایران:

نقد تقلیل گرایی و ضرورت تنظیم‌گری قانونمند

مهدی ساقی
پژوهشگر خط‌مشی‌گذاری و حقوق فضای مجازی

اخیراً یادداشت مهمی از سوی میثم رمضانعلی با عنوان تحلیل یک خط انحرافی در سیاست‌گذاری فضای مجازی ایران منتشر شد که ضمن طرح دغدغه‌هایی ارزشمند، رویکردی انتقادی نسبت به بخشی از سیاست‌گذاری‌های گذشته و حال در این حوزه دارد. به‌عنوان پژوهشگر حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و حقوق فضای مجازی، این فرصت را مغتنم می‌شمارم تا با رویکردی تحلیلی و از منظر حکمرانی قانونمند و تنظیم‌گری، به نقد و تکمیل برخی از ابعاد تحلیل ایشان بپردازم.
تقلیل‌دادن چالش‌های پیچیده حکمرانی فضای مجازی به عملکرد یک جریان خاص و تقابل صرف با آن، هرچند ممکن است ریشه‌هایی بسیار کوچک در واقعیت داشته باشد، اما ریسک‌های بزرگی را به همراه دارد؛ اولاً از پیچیدگی‌ها و ذی‌نفعان متعدد درگیر در این حوزه غفلت می‌ورزد و ثانیاً راه را بر راحل‌های جامع و پایدار می‌بندد. لذا تمرکز باید بر اصلاح ساختارها، فرایندها و ابزارهای حکمرانی باشد، نه صرفاً نقد فردی یا جریانی، آن هم بدون بررسی جریان مقابل! در پاسخ به نکات مطرح‌شده در تحلیل میثم رمضانعلی به‌تفصیل معروض می‌دارم:

از نابودی تا ضرورت تنظیم‌گری هوشمند پلنفرم‌های بومی

نقد میثم رمضانعلی در باره تضعیف و نابودی ظرفیت‌های بومی در دهه ۸۰ را تا حدی می‌توان وارد دانست، گرچه باید آن را در فضای همان دوران تحلیل کرد، اما بدیهی است نباید با غلبه نگاه صرفاً امنیتی، فرصت‌توسعه‌را از بین برد. تعمیم این رویکرد به دوران کنونی، نیازمند دقت بیشتری است، دست‌کم از سال ۱۳۹۶ و با تصویب سند الزامات پیام‌رسان‌ها، سیاست

رسمی بر حمایت و تقویت سکوهای بومی بنا نهاده شد. هرچند این حمایت‌ها نیز خالی از اشکال و چالش نبوده‌اند (مانند تعارض منافع در حوزه VODها که اشاره شده) اما باید اذعان داشت که گام‌های مثبتی در جهت توسعه VODها و پیام‌رسان‌های بومی نیز برداشته شده است. نکته کلانی در اینجا، نه‌اصل حمایت‌باعدم حمایت، بلکه چگونگی تنظیم‌گری است. یک پلنفرم داخلی، حتی با تمام چالش‌های محتوایی، یک دارایی راهبردی ملی است. حکمرانی صحیح، تخریب کارخانه به‌بهانه محصول معیوب نیست، بلکه بازطراحی خط تولید و نظارت بر کیفیت است. این مهم جز با یک نظام تنظیم‌گری قانونمند، شفاف و قابل‌پیش‌بینی محقق نخواهد شد که با اشراف بر جنبه‌های فنی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی، هم از نوآوری حمایت کند و هم از آسیب‌ها جلوگیری نماید. البته به لطف عقلانیت خط‌مشی، رویکرد فعلی در سطوح عالی سیاست‌گذاری کشور نیز به این سمت حرکت کرده است که هرگونه قانون‌گذاری برای سکوها داخلی باید قابل اعمال بر سکوهای خارجی نیز باشد تا اصل رقابت سالم و جلوگیری از مهاجرت کاربران به پلنفرم‌های غیربومی تضمین شود.

فیلترینگ؛ ابزاری با کارکرد ازدست‌رفته در غیاب تنظیم‌گری جامع

تحلیل میثم رمضانعلی درباره توسعه غیر منطقی بازار فیلترشکن‌ها و پیامدهای مخرب آن بر حکمرانی داده و اقتصاد دیجیتال داخلی، هشداردهنده است. ادعای افراطی به فیلترینگ، به‌عنوان ضعیف‌ترین راهکار اعمال حکمرانی، اهم چانه‌زنی دولت در مذاکره با پلنفرم‌های بین‌المللی را نیز از بین برده است. در این میان، اگرچه رقم ۲/۵ همت گردش مالی سالیانه VPN قابل توجه است، اما نباید از نظر دور داشت که این مبلغ در برابر ارقامی همچون ۲۰ همت گردش مالی قمار برخط،

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره

دوره